

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## افسانه غرانیق زیر ذره بین

استاد راهنما: حجت الاسلام پوربدخشان

نویسنده: موسی الرضا حسن نژاد

آبان ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

طراحان سیاه اندیش برای شکستن شخصیت پیامبر نه تنها گفتند که پیامبر در وحی خود شک کرد بلکه در یک رشته روایات که در اکثر تفاسیر روایی اهل سنت وجود دارد این مسئله را نشر دادند که نه تنها پیامبر در پیامبری خود و دخالت شیاطین در کار نبوتش شک کرد بلکه واقعاً نیز شیطان در این زمینه دخالت کرد و مطابق بینش شیطانی خود شبه آیاتی با مطالبی شرک آمیز به عنوان آیات نازل شده از خداوند به آن حضرت القا کرد و آن حضرت هم آنها را قبول کرد و از دخالت شیطان در کارش آگاه نشد اینجا یکی از بالاترین مراحل است که دست دشمنان اسلام در عصر اموی کوشیده تا اساس شخصیت پیامبر را یعنی عصمت در وحی را ریشه کن کند افسانه خطرناک قرانیک در تفاسیر مشهور و تواریخ معتبر در نوشته‌های سیره نویسان مکتب خلفا انتشار دارد در این تحقیق به مطالب تفسیر و تاریخ طبری مراجعه شده چون روایات او از نظر سند از کهن‌ترین اسناد می‌باشد

### افسانه غریق

مفسرین این بحث را ذیل آیه ۵۲ سوره حج در دو بخش آورده اند:

#### ● طبری

(۱) بخش اول روایات در تفسیر تمنی و امنیه: روایاتی که معتقدند پیامبر به خاطر علاقه ایشان به ایمان آوردن قومش فکر میکرد که با آنها طبق تمایلاتشان به بت‌ها حرف بزند و گاهی به همین جهت میل نداشت از بت‌ها به بدی یاد کند طبری در این بخش ۹ روایت (از محمد بن کعب قرظی، ابوالعالمیه، سعید بن جبیر، ابن عباس، ضحاک، ابن حارث) ذکر میکند که مضمون این روایت به این طریق است:

روزی پیامبر در جمعی از مجامع قریش حضور یافت او در دل تمنا می‌کرد که چیزی که باعث تنفر قریشیان میشود نازل نشود اما خدا سوره نجم را نازل کرد و پیامبر قرائت کرد تا به آیه افراitem اللات و العزی و مناة الثالثة الاخری رسید و شیطان دو کلمه تلک الغرائق العلی و ان شفاعتهن لترجی به او القاء کرد او هم گفت سپس بقیه سوره را خواند و در پایان سوره سجده کرد و مردم هم سجده کردند فقط ولید بن مغیره به علت پیری خاک برداشت و پیشانی بر آن گذاشت و همه خوشحال بودند مشرکان گفتند ما میدانیم که خدا صاحب حیات و ممات و روزی بخش است ولی خدایان ما شفاعت میکنند و حالا که تو آنها را سهیم کردی ما با توایم شب جبرئیل نزد پیامبر آمد و او سوره را برای جبرئیل خواند و وقتی به آن کلمات رسید جبرئیل گفت من اینها را بر تو نازل نکردم پیامبر فرمود پس بر من خدا افترا بستم و خدا چنین نگفته و خداوند به پیامبر چنین وحی کرد و ان کادوا لیفتنونک عن الذی اوحینا الیک لتفتیری علینا غیره پیامبر از این قضیه غمزده بود تا این آیه نازل شد و ما ارسلنا من قبلک من رسول و لا نبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیهه فینسخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته و الله علیم حکیم راوی میگوید مهاجران (مسلمان) به حبشه تا شایعه مسلمان شدن مردم مکه را شنیدند به سوی قوم خود برگشتند و میگفتند خویشان ما برای ما بهترند ولی وقتی به مکه رسیدند دیدند آیات مذکور نسخ و آنان از اسلام روی گردان شدند

(۲) بخش دوم روایات در تفسیر تمنی و امنیه: روایاتی که معتقدند معنی این دو کلمه به معنای القای شبهه و اشکال توسط شیطان در سخن پیامبر هست طبری در این بخش چند روایت از ابن عباس

ضحاک و مجاهد دلیل بر این مطلب میاورد و بعد از نقل نظریه ضحاک میگوید این نظریه به تفسیر واقعی نزدیک تر است چون در آخر آیه آمده فینسخ الله ما یلقى الشیطان و یحکم الله آیاته (پس خداوند از میان برمیدارد القاءات شیطان را و آیات خویش را محکم و استحکام میبخشد) لذا به عقیده طبری تفسیر کلام خدا این است ما قبل تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اگر قرائت کتاب خدا کرد یا خود او حرفی گفت شیطان در آن القاء کرد و خدا هم القاءات شیطان را نسخ کرد و این مورد هم همینطور است طبری برای اثبات نظرش شواهدی از مفسرین در مورد معنای نسخ در این آیه می آورد که مضمون آن این است که جبرئیل به امر خدا آنچه شیطان بر زبان پیامبر انداخته بود نسخ کرد و آیات خداوند را استحکام بخشید و بعد از آن طبری در تفسیر آیه لیجعل ما یلقى الشیطان فتنه للذین فی قلوبهم مرض میگوید القاءات شیطان آزمایشی بوده که بوسیله آن کسانی که در دل مرض نفاق دارند آزمایش شوند طبری نظریه قتاده را اینطور می آورد که علت القاءات شیطان و نسخ آن توسط خداوند ارشاد مردم و اینکه دیگر القاءات شیطانی برای آنها زیانی نداشته باشد

● سیوطی: وی علاوه بر روایاتی که طبری آورده روایات دیگری هم آورده او از سدی نقل می کند پیامبر به مسجد رفت تا نماز بخواند و در حین نماز تا به آیه افرایتم اللات و العزی و مناه الثالثه الاخری رسید شیطان تلکه القرانیق العلی و ان شفاعتهن ترتجی را به زبانش انداخت و بعد پیامبر سوره نجم را تا آخر ادامه داد و سجده کرد و اصحاب هم سجده کردند و مشرکان هم پیروی کردند چون نام خدایشان را آورده بود وقتی پیامبر سر از سجده برداشت او را بر سر دوششان کردند و در اطراف مکه دویدند و می گفتند پیامبر عبد مناف این است بعد از این حادثه جبرئیل پیش پیغمبر آمد و پیامبر قرآن را بر او عرضه کرد و آن دو عبارت را هم خواند جبرئیل گفت من به خدا پناه میبرم که چنین چیزهایی بر تو خوانده باشم

● نیشابوری: از ابن عباس روایت میکند شیطانی که ابیض نام داشت به صورت جبرئیل به آن حضرت ظاهر شد و آن عبارات را به او القا کرد هنگامی که مشرکین کلمات را شنیدند خوشحال شدند بعد از آن جبرئیل نازل شد و از پیامبر درخواست کرد که آیات را بر او عرضه کند پیامبر از ابتدای سوره قرائت کرد تا به آن کلمات رسید آنگاه جبرئیل از جانب خدا بودنشان را انکار کرد پیامبر فرمود یک موجود به صورت تو آمده و آنها را به من گفت

### بررسی آیات قرآن

آیات کریمه‌ای که روایات و ر از آن سخن می‌گویند به سه دسته تقسیم می‌شوند

۱. آیاتی که در سوره نجم وارد شدند
۲. چند آیه در سوره حج
۳. دو آیه در سوره بنی اسرائیل

❖ آیات سوره نجم: آیاتی مسئله القائات شیطانی در آنها مطرح شده از آیه ۱۸ شروع و به آیه ۳۰ ختم می شود آیات ۱۸ تا ۳۰ از این سوره بحث از بت‌های سه گانه و مشهور عرب دارد که به نام‌های لات و منات و عزی خوانده می‌شدند اعراب فکر می‌کردند که این‌ها تجسم ملائکه الهی هستند و از سوی دیگر معتقد بودند که فرشتگان دختران خدا هستند چنانکه قرآن مکرراً از این اعتقاد سخن می‌گوید و از آن انتقاد میکند مثلاً در سوره زخرف آیه ۱۷ تا ۲۰ می‌فرماید و اذا بشر احدهم بما ضرب للرحمان مثلاً ظل وجهه مسوداً و هو كظیم و جعلوا الملائكة الذین هم عباد الرحمن اناثا هنگامی که به فردی از افراد ایشان مژده تولد دختری داده شود صورتش از خشم سیاه می‌شود در حالی که خود به خداوند نسبت داشتن دختر می‌دهد و اینان فرشتگان را که بندگان خدا هستند از جنس زنان قرار می‌دهند و آیات دیگری مانند آیه ۱۴۹ سوره صافات آیه ۵۷ و ۵۸ سوره نحل آیه ۴۰ سوره اسرا در اینجا خداوند مسئله دیگری از اعتقادات مشرکان در مورد بت‌هایشان را مطرح و رد می‌کند و آن مسئله شفاعت و میانجی‌گری است

✓ پس خداوند در آیات سوره نجم نه تنها ستایشی از خدایان قریش نمی‌کند بلکه از آنها انتقاد و افکار مشرکانه‌شان را می‌کوبد بحث از این است که مشرکان از سر جهل و نادانی در مورد بت‌ها چنین سخنانی می‌گویند و بر این کارشان دلیلی ندارند سوال اینجاست که چطور این مسئله از سازندگان این افسانه مخفی مانده در حالی که اعراب ساکن مکه قریشیان اعراب خالص و دست نخورده بودند و فرهنگشان چیزی جز خطابه و اشعار قصیده‌ها نبود گویی مشرکان تناقض و تضاد آیات شیطانی را با آیات تند و کوبنده قرآن نفهمیدند تنها با دلخوش کردن به همان دو جمله به خاک افتادند آنها که با همه کینه و دشمنی ذره ذره آیات را به گوش جان می‌شنیدند و در برابر زیبایی و فصاحت و بلاغت لفظ و معنایش تعجب می‌کردند تا آنجا که راهی نداشتند جز اینکه آن را سحر بخوانند چطور این دگرگونی و تبدیل جو سخن را نفهمیدند

#### آیات سوره حج

مفاهیم سه گانه آیه: ۱. امنیه ۲. القای شیطان ۳. نسخ القائات شیطان توسط خداوند و استحکام

بخشیدن به آیات

کلمه امنیه که به صورت امانی جمع بسته میشود یا به معنای تلاوت و قرائت است و یا رغبت و آرزو اما فرض دوم با آیاتی که مشتقات این ماده در آنها به کار رفته است مناسبت دارد این لفظ چند بار در قرآن بکار رفته مثلاً و قالوا لن یدخل الجنة الا من كان هودا او نصاری تلک امانیهم... و لغت شناسان هم این لفظ را به معنای آرزو میدانند آیه مذکور از از سوره حج در یک مجموعه‌ای از آیات قرار گرفته که از نظر موضوع دارای وحدت هستند خداوند با پیامبر آغاز سخن می‌کند و او را تسلیت می‌دهد که از انکار و کفر مشرکین رنجور نباشد چون او فقط پیامبر و منظر است

سپس می‌فرماید مردم در برابر تبلیغات دو دسته هستند آنهایی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و آنهایی که تلاش می‌کنند تا آیات خداوند را ابطال کنند پس از تقسیم بندی بار دیگر به پیامبرش دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید و ما ارسلنا من قبلک من رسول ولا نبی الا اذا تمنی نفرستادی مگر اینکه اگر او آرزوی پیشرفت دعوتش را می‌کرد شیطان در سر راه انجام آرزوهایش شبهات ایجاد می‌کرد تا آیات الهی را ابطال کند پس خداوند این شبهات و موانع شیطانی را که بر سر راه دعوت او قرار گرفته بود نابود کرد در آیات دیگری این مبارزه دوجانبه نشان داده شده که یک سو خداوند و سوی دیگر شیطان هست و پیروزی جبهه حق با صراحت اعلام می‌شود پس تمنا و امنیه شوق و رغبت پیامبر در راه هدایت مردم است و القای شیطان در زمینه وسوسه‌ها و شبهات در راه هدایت مردم نسخ هم یعنی از بین بردن این ایرادات و شبهه‌ها اما اگر این دو کلمه تمنا و امنیه به معنای تلاوت و قرائت باشد تفسیر همین است ولی ترجمه اینطور می‌شود هیچ نبی و رسولی قبل از تو فرستاده نشده بود مگر اینکه اگر تلاوت آیات الهی بر مردم می‌کرد شیطان شبهات و ایراداتی در مورد آن در دل‌های امتش می‌انداخت و به آنها می‌گفت این‌ها سحر است و خداوند این اشکالات و شبهات را به وسیله آیات دیگر روشن می‌کرد چنانچه همین مفهوم در سوره سبأ آیه به نحو دیگری ۴۳ آمده است

تفسیر قرآنی آیه این مسئله مسلم است که پیامبر اکرم به هدایت قومش عشق می‌ورزید و در این راه آرام نداشت و رنج می‌کشید و در مقابل در میان قرشیان کسانی بودند که به سایر افراد و حتی زائران شهر مکه شبهاتی القا می‌کردند آنها در مورد دعوت پیامبر و آیاتی که او از کتاب خدا می‌خواند شبهاتی در جامعه نشر می‌دادند که باعث می‌شد گروهی از اسلام دور شوند این نوع سخنان همان القات شیطانی در زمینه قرآن است این‌ها همان شبهات و اشکالاتی است که شیطان‌های انسی در مورد قرآن نشر می‌دادند بدین ترتیب القای شیطان در امنیه رسول چه به معنای تلاوت باشد و چه آرزو عبارت است از القای شبهات در مورد قرآن که خود به دو صورت ممکن است انجام گیرد ۱ شیطان ناپیدای جنی القای وسوسه و شبه کند یعنی شبهات را در دل مشرکینی که به مرض کفر گرفتارند انداخته ۲ اصولاً طراح شبهات انسان‌های شیطان صفت باشند و قرآن به هر دو نوع این القات اشاره دارد و می‌فرماید برای هر پیامبری دشمنی قرار دادیم از شیطان‌های انسی و جنی این شیاطین در مورد نبودی آیات الهی تمام تلاش خود را به کار بردند ولی خداوند اثرات آنان را زائل کرد این گونه درگیری و نبرد تنها مربوط به پیامبر خاتم نبوده بلکه هر نبی و پیامبری که در آرزوی هدایت امت خود بود گرفتار نقشه‌های شیاطین می‌شد آیات سوره بنی اسرائیل: در اولین احادیث طبری سخن از آیات ب سوره بنی اسرائیل به میان می‌آید و ان کادو لیفتنونک عن الذی اوحینا الیک لتفتیری علینا غیره معنای دقیق آیه چنین است اگر ما با عصتی که به تو موهبت کرده‌ایم تو را ثابت قدم نمی‌داشتیم نزدیک بود که به آنها مشرکان میلی اندک پیدا کنی لیکن ما به تو ثبات قدم دادیم بنابراین به جانب ایشان اندک میلی نیز پیدا نخواهی کرد تا چه رسد که آنچه مشرکان خواسته‌اند اجابت کنی بناب بر اساس این آیه

نه آن حضرت خواسته‌ها و امیال مشرکان را برمی‌آورد و نه حتی اندک میلی به آنها در خود می‌یافت

#### ارزیابی روایات غرائق

الف- روایات در برابر قرآن: نمیدانیم چگونه پاره‌ای از علمای تسنن چون طبری واحدی زمخسری بیضاوی سیوطی این گونه احادیث را در تفاسیر خودشان آورده‌اند و چگونه روایات تسلط شیطان بر پیامبر را تصدیق کرده و پذیرفته‌اند در حالی که در قرآن می‌خوانند فاذا قرأت القرآن فستعذ بالله من الشیطان الرجیم زمانی که قرآن را قرائت می‌کنیم از شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر و برای شیطان هیچ گونه سلطنتی بر مومنانی که به پروردگار توکل کنند وجود ندارد همچنین خود شیطان می‌گوید فبعزتک لاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین سوگند به عزت تو همه را گمراه می‌کنم جز بندگان خالص و پاک شده‌ات و نیز انا نحن نزلنا الذکر و انا له حافظون قطعاً ما قرآن را نازل کردیم و خودمان آن را حفاظت می‌کنیم روایات مذکور همه سخن از این داشتند که پیامبر شبه آیات شیطانی را در قرآن وارد ساخت در صورتی که خداوند در قرآن در مورد پیامبر می‌گوید و ما ینطق عن الهوا ان هو الا وحی یوحی

ب- اسناد روایات غرائق روایاتی که از تفسیر طبری نقل کردیم سلسله راویان آن به افراد زیر

منتهی می‌شوند

A. سند روایات اول و دوم به محمد بن کعب قرظی از نسل یهودیان بنی قریظه می‌رسد او در سال چهارم از هجرت به دنیا آمده و در سال ۱۰۸ وفات یافته وی از تابعین مدینه شمرده می‌شود

B. محمد بن قیس آخرین راوی در سند روایت اول طبری است او سخنگوی رسمی مذهبی در عصر عمر بن عبدالعزیز بوده و در سال ۱۲۶ هجری وفات یافته و از تابعین است

C. روایات سوم و چهارم به ابوالعالیه رفیع بن مهران منتهی می‌شود او هم از تابعین محسوب می‌شود و در سال ۱۱۰ وفات یافته

D. روایات پنجم و ششم از نظر سند به سعید بن جبیر منتهی می‌شود او هم از تابعین و طبقه سوم راویان محسوب می‌شود حجاج او را در سال ۹۲ به قتل رساند

E. روایت هفتم از عبدالله بن عباس است و او تنها راوی این گونه روایات از طبقه صحابیان شمرده می‌شود و باقی روات از طبقه بعد از صحابه بودند

F. روایت هشتم از ضحاک بن مزاحم نقل شده وی از طبقه پنجم راویان بوده و در سال ۱۰۵ هجری وفات یافته

G. روایت نهم از ابوبکر بن عبدالرحمان بن حارث از تابعین و طبقه سوم روات نقل شده وی در سال ۹۴ هجری وفات یافته

H. در تفسیر آیه ۵۲ حج از مجاهد ابن جبر مکی نقل شده وی در سال ۱۰۳ هجری وفات یافته

- ا. طبری از قناده نقل می‌کند وی از طبقه چهارم روایت و در سال ۱۱۸ وفات یافته
- ل. سیوطی روایتی از سدی نقل می‌کند او از طبقه چهارم راویان بوده و در سال ۱۲۷ هجری وفات یافته
- K. نیشابوری نیز روایتی دیگر از ابن عباس در تفسیر خود آورده

اما اسنادی که مورخین و سیره نویسان با تکیه بر آنها روایات خود را نقل کرده‌اند از سه طریق است اول روایات ابن اسحاق که همان روایات منقول تاریخ طبری است دوم روایات موسی بن عقبه افرادی چون ذهبی در تاریخ الاسلام و کلابی در الاکتفا آوردند که به محمد بن مسلم زهری منتهی می‌شود که از راویان طبقه چهارم بوده در سال ۵۰ هجری متولد شده و در سال ۱۲۴ وفات یافت سوم روایاتی است که ابن سعد در طبقات الکبری می‌آورد وی روایاتش را از استادش واقدی نقل می‌کند که مجموعاً سه عدد است روایت اول از دو راوی به نام‌های محمد بن فضاله ظفری و مطلب بن عبدالله بن حنطب و روایت دوم و سوم از ابوبکر بن عبدالرحمان بن حارث است ابوبکر بن عبدالرحمان قبلاً مورد بررسی قرار گرفت که از طبقه سوم ربات بود اما مطلب بن عبدالله ابن هنطب شناسان او را از طبقه چهارم راویان می‌دانند و در مورد محمد بن فضاله شناسایی که از او عرضه می‌دارند این است که از شیوخ شام است و شاگرد هشامه بن عمار است در شرح حال هشام بن عمار می‌گویند او در سال ۱۵۳ تولد و در سال ۲۴۵ وفات یافته پس شاگرد او هم باید در سال‌های بین قرن دوم و سوم یا سوم و چهارم زندگی می‌کرده باشد نتیجه بررسی اسناد ماجرای قرانیک این است که راویان آن جز عبدالله بن عباس همه از تابعین بودند حتی عده‌ای چند نسل از عصر پیامبر دورتر بودند ابن عباس هم سه سال قبل از هجرت نبوی به دنیا آمده و تولد او در شهر مکه بوده بنابراین هنگام وفات پیامبر حدود ۱۳ سال بیش نداشته سوره نجم به اتفاق مفسرین در مکه نازل شده یعنی در سال‌های قبل از هجرت و حتی عده‌ای از مفسرین صحابه اولیه پیامبر مثل ابن مسعود معتقدند که این اولین سوره‌ای بوده که پیامبر آن را در مکه به طور علنی خواندند نتیجه اینکه اولاً سوره نجم مربوط به سال‌های قبل از هجرت است ثانیاً نزول این سوره در اوایل بعثت بوده با توجه به این نتایج و سال تولد ابن عباس معلوم می‌شود که او در این سال‌ها تولد نیافته و حتی اگر سوره در اواخر سکونت پیامبر در مکه نازل شده باشد ابن عباس در آن وقت کودکی خردسال یا شیرخوار بوده نمی‌تواند شاهد عینی حادثه باشد پس روایت ابن عباس هم سندیت خود را از دست می‌دهد نازی پس هیچ یک از ناقلان در هنگام وقوع حادثه حضور نداشتند و همه بعد از وقوع آن متولد شدند

تضاد و تناقض در متون روایات قرانیک در بررسی بین روایت اول و دوم می‌فهمیم که روایت دوم تفصیل روایت اول است در روایت دوم می‌خوانیم زمانی که جبرئیل سوره نجم را بر پیامبر وحی کرد بعد از آیه و منات الثالثة الاخری شیطان عبارت تلک القرانیک را بر زبان او انداخت و او آن را ضمن آیات قرآن تلاوت کرده و بقیه سوره را تا آخر ادامه داد بعد از آن سجده کرده و مسلمانان و مشرکان هم به سجده افتادند راوی در بخش آخر روایت می‌گوید پیامبر زمانی سجده کرد که کلمات شیطانی به پایان رسید و بعد از آن جبرئیل نازل شد و گفت چه کردی تو در شما را آیات چیزی را تلاوت کردی که من برایت نیاورده بودم پیامبر ناراحت شد و خداوند آیه ۵۲ سوره حج را نازل ساخت تا او را تسلی دهد و سپس القائنات شیطان را نسخ کرد بنابراین مضمون آخر روایت که سجده بعد از تلاوت آیات شیطانی بوده و بعد سوره ختم شده با ابتدای روایت که همه این حوادث بعد از ختم سوره انجام شده تضاد دارد علاوه بر این در قسمتی از این روایات

می‌خوانیم که پیامبر در مورد خدایان قریش در دل خیالاتی داشت و این خیالات بر زبانش به صورت آیات جاری شد در جای دیگر می‌بینیم که شیطان این عبارات را بر زبان پیامبر انداخت در روایت سومی آمده شیطان به صورت موجودی سفید رنگ بر پیامبر ظاهر شد و پیامبر فکر کرد او جبرئیل است در چهارمی آمده که شیطان عبارات خود را در مدتی که پیامبر در تلاوت قرآن توقف می‌کرده القا می‌کرده در یکی نقل شده که پیامبر سوره را در نماز تلاوت می‌کرده و در دیگری آمده که در غیر نماز و در جمع قومش بوده و در نقل دیگری آمده که شیطان کلماتش را در حال چرت زدن بر پیامبر القا کرده

#### تضاد مضامین قرآنیق با حالات پیامبر

- I. جریان سوگند دادن پیامبر به لات و عزی توسط بحیرای راهب و جواب پیامبر به بغض نسبت به آندو بت
- II. ماجرای اختلاف پیامبر با مرد تاجر در سفر دومشان به شام در ضمن داد و ستد و قول پیامبر به قسم نخوردن پیامبر به لات و عزی و و رویگردانی پیامبر از آنها
- III. دعوت پیامبر به پرستش خداوند و ترک عبادت بتان به دلیل عدم نفع و ضرر به دنبال فرمان خدا برای اظهار رسالت پیامبر در اولین پیام عمومی او
- IV. جمله معروف پیامبر به خدا سوگند اگر اینان خورشید را در دست راست من بگذارند و ماه را در دست چپ من تا اینکه این کار را ترک کنم نخواهم کرد تا یا پیروز شوم یا هلاک شوم در جواب عمویشان ابوطالب نسبت به اعتراض قریشیان به او راجع به بدگویی پیامبر از خدایان آنها
- V. اهل طائف گروهی را به عنوان نماینده نزد پیامبر فرستادند و با ایشان مذاکره کردند و در آخر مذاکرات اسلام را پذیرفتند و از پیامبر چند درخواست داشتند اولاً بت لات در میانشان تا ۳ سال باقی باشد که پیامبر نپذیرفت به یک سال تخفیف دادند پیامبر زیر بار نرفت نهایتاً به یک ماه راضی شدند باز هم پیامبر قبول نکرد ثانیاً درخواست کردند که آنها را از خواندن نماز معاف کند پیامبر این را هم نپذیرفت و فرمود در دینی که نماز وجود ندارد خیری نیست بعد از پایان مذاکرات دو نفر مامور همراه آنها فرستاد تا این بت را نابود کنند

عصمت انبیا: اگر عصمت انبیا را در دریافت وحی آسمانی نپذیریم با عصمت در تبلیغ که مورد اتفاق هم است منافات دارد یعنی اگر پیامبر نتواند معارف آسمانی را بدون لغزش و اشتباه بیاموزد آن را حفظ کند چطور می‌تواند رسالت خویش را تمام و کمال انجام دهد پس اعتقاد عده‌ای از علمای مکتب خلافت به این گونه روایات با اعتقاد به عصمت پیامبر در تبلیغ و حفظ وحی الهی منافات دارد چون پیامبر بر اساس این روایات دروغین از القائات شیطانی در امان نمانده حال اگر شیطان توانسته باشد در یک جا در قرآن دخالت کند نقاط دیگر آن به چه دلیل از دست او محفوظ مانده اینجاست که می‌بینیم هدف خطرناکی از جعل چنین روایاتی در نظر داشته‌اند و خواستن بدین وسیله مستحکم‌ترین دلیل اسلام را از اعتبار ساقط کنند

کشف حقیقت: اما حقیقت واقعه ابن کلبی مورخ قرن دوم در کتاب الاصنام خود مینویسد قریشیان در مکه طواف کرده می‌گفتند واللوات والعزی و مناه الثالثه الاخری فانهن الغرائیق العلی منها الشفاعه ترتجی قریشیان معتقد بودند که بت‌ها



دختران خدا هستند نزد او شفاعت می‌کنند اما زمانی که خداوند پیامبرش را مبعوث کرد بر او چنین نازل کرد افرایتم اللات والعزی و مناة الثالثة الاخری الکم الذکر و له الانثی بنابراین گوینده این کلمات قریشیان بودند نه پیامبر و این کلمه را یک بار نگفتند بلکه عادتشان در هنگام طواف گفتن این کلمات بوده سوره نجم برای رد این نوع اعتقادات و افکار سخیف که در کلمات مذکور بازگو می‌شد نازل شد حال باید ریشه‌ای به وجود آمدن چنین روایاتی را پیدا کنیم بعد از تحقیق و مراجعات به مصادر و مدارک دست اول می‌بینیم که در گذشته تاریخ اسلام عده‌ای از محققین از علما علت را یافته از جمله محمد ابن اسحاق بن خزیمه او در مورد روایات قرانیک گفته این روایات به دست زنادقه و ملحدان ساخته شده است ابن جوزی محقق قرن ششم در توصیف زنادقه می‌گوید دسته اول زنادقه هستند که نظرشان تخریب دین و شریعت و ایجاد شک در دل عوام و بازی با اعتقادات بوده از جمله آنها ابن ابی العوجا میباشد او احادیث ساختگی در کتاب‌های حدیثی حماد بن سلمه وارد می‌ساخت ابن جوزی اضافه می‌کند حدیث شناس بزرگ ابو احمد بن عدی این چنین گفته است آنگاه که ابن اب العوجا به خاطر زندقه و الحادش دستگیر و به نزد محمد بن سلیمان بن علی آورده شد فرمان داد تا سر از تنش بردارند چون او به کشته شدنش یقین کرد گفت به خدایی سوگند من در میان شما ۴ هزار حدیث ساختگی و جعلی پراکندم که حلال را حرام و حرام را و حلال تبدیل کرد از آنچه گفته شد روشن می‌شود که این گونه احادیث به دست زنادقه و ملحدان قرن‌های اولیه تاریخ اسلام ساخته شده تا عقاید و افکار مسلمانان مشوش شده و شک و تردید در میانشان رواج گیرد

گفتار اسلام شناسان: در عصر جدید فاجعه بعد جدیدی پیدا کرد و خاورشناسان آمریکا و اروپا پا به صحنه گذاشتند و به این گونه منابع دست یافتند آنها به صرف نقل جعلیات مورد بحث بسنده نکردند بلکه از خیالات خویش برای پرداختن این روایات دروغین استفاده کردن و آنها را به عنوان تحلیل تاریخی عرضه نمودند که چند مورد از آنها را ذکر می‌کنیم

➤ پروفیسور مونتگ موری وات استاد اسلام شناسی در دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند در کتاب محمد پیامبر و سیاستمدار می‌گوید یکتاپرستی در نظر مردم مکه مبهم بود و به آن به نظرم مخالف کامل شرک نگاه می‌کردند این موضوع در داستان آیات شیطانی تصریح شده و بعد از آن جریان وسوسه‌های شیطانی را نقل می‌کند و می‌گوید نخست می‌خواست آن را بپذیرد و در جای دیگر ن را نقل می‌کند و می‌گوید توضیح این نسخ این بود که شیطان بی آنکه محمد متوجه شود در آیات نخستین فرو لغزیده بود این داستان بسیار عجیب و شگفت انگیز است پیامبری که بزرگترین دین یکتاپرستی را تبلیغ می‌کند خود به شرک اختیار می‌دهد

➤ پروفیسور وات در کتاب دیگرش در بحث مفصلی تحت عنوان آیات شیطانی علت‌ها تفسیرها چنین می‌نویسد علمای اسلام و فقها که از ادراک مفهوم غربی تکامل تدریجی دور هستند در مورد محمد معتقدند که او از ابتدا به مضمون کامل عقیده اسلامی آگاهی داشته بر آنها بسیار مشکل است بپذیرند که محمد اصولاً آوردن آیات شیطانی را مخالف عقیده خویش نمی‌دانسته است در حالی که حقیقت این است که یکتاپرستی او نیز و ابهام خالی نیست و قبول این خدایان را معارض اد با توحید نمی‌پندارد آسمانی اما در مرتبه پایین‌تر از خداوند می‌داند تردیدی نیست که محمد موفق شده بدین وسیله بزرگان قریش را به نظریات خویش علاقه‌مند کند

➤ یوسف شاخت خاورشناس و اسلام شناس هلندی به داستان جعلی قرانیک اشاره می‌کند و می‌گوید در میان مسلمانان کسی در قطعیت قرآن و دور ماندن از خطای آن شک ندارد علی‌رغم کوششی که شیطان ممکن است در خلط و مزج کلمات خود با قرآن کرده باشد

➤ ف. بوهل اسلام شناس بزرگ دانمارکی پیامبر برلی شناخت کلماتی که از ضمیر ناخودآگاهش به او القا میشد آمادگی داشت اما گاه و بیگاه قصد داشت که میان وحی و نداهای شیطان خلط کند روایت‌های مورد اعتماد نشان میدهد که او یک بار به خود اجازه داد که به دست شیطان اغوا شود و بت‌ها را مدح کند ولی او پس از آن متوجه لغزش خود شد و به دنبالش آیه ۱۹ سوره نجم وحی شد ۵ این دسته از خاور شناسان علاوه بر اغراض شخصی مزدور دولت‌های استعمارگر هستند و به اسطوره‌گرانیق دست یافته و در نوشته‌هایشان علیه اسلام استفاده میکنند از جمله نوشته به نام الهدایه که با نقل‌غرائیق آن را از بزرگ‌ترین دلایل علاقه پیامبر به بت‌ها میدانند

#### نتیجه

در قرآن: قرآن کریم به طور مکرر با سلسله استدلالات کوبنده آنها را رد کرده و اعتقادات مشرکان را درباره بت‌ها مسخره می‌کند همانطور که در سوره صافات آمده بود قرآن کریم با مشرکان به جدال بر می‌خیزد و اعتقادات ایشان را درباره لات و منات و عزا ریشخند می‌کند آیات قرآن از روشن‌ترین و صریح‌ترین آیات در این زمینه است و برای کسی که لغت عربی را می‌فهمد وارد ساختن این آیات شیطانی در میان آیات ایجاد یک ناهماهنگی کامل می‌کند

#### در روایات :

- این روایات از نظر محتوا دارای تناقض بودند به عنوان نمونه افسانه قرانیک می‌گوید که این حادثه سال‌ها قبل در مکه و قبل از هجرت پیامبر به مدینه انجام شده اما سوره حج مدنی است همچنین دومین حدیث که مفصل‌ترین آنها هم هست به علاوه محتوای همه این روایات با عصمت انبیا منافات دارد همینطور این افسانه با حالات پیامبر که در روایات و سیره‌ها آمده نیز متناقض است
- روایات از نظر سند هم دچار نقص‌های مختلفی بودند به جز یک روایت بقیه از نظر سند به افرادی منتهی می‌شوند که نه تنها عصر واقعی را درک نکردند بلکه اصولاً از طبقه بعد از صحابه یعنی تابعین محسوب می‌شوند